



گفتگو

روایت مجازی

ما را چه شده است؟



قدس زندگی: در سالروز رحلت پیامبر اعظم (ص) خیلی‌ها در فضای مجازی تسلیت گفته و یا پست‌هایی درباره این غم جانگداز گذاشتند. برخی‌ها اما در چنین مناسبت‌هایی علاوه بر عزاداری، ترجیح می‌دهند دستاویزی برای بیشتر اندیشیدن پیدا کنند. علی داری، عضو هیئت علمی دانشگاه صدا و سیما درباره دین اسلام در صفحه اینستاگرام خود نوشت: از بیش از ۷ میلیارد نفر جمعیت جهان نزدیک به ۲ میلیارد نفر مسلمان هستند. از ۲۰۸ کشور دنیا ۵۸ کشور مسلمان و در پنج قاره دنیا مسلمانان پراکنده‌اند. اسلام دومین دین در اروپا محسوب می‌شود. حضرت محمد(ص) پیامبر خاتم و قرآن آخرین کتاب آسمانی و کعبه قبله واحد برای مسلمانان است.

اسلام عزیز و رسول گرامی فرموده‌اند: یاور مظلوم و خصم دشمن باش... در میان خودتان رحماء بینهم و با دشمنان اشداء علی الکفار باشید... علم‌آموزی محتاج جهاد علمی است حتی اگر لازم باشد به کره ماه یا دورترین نقاط جهان سفر کنید... گذشت، رواداری و مدارا در موقع قدرت داشتن و گذشت و عفو در برابر حتی دشمنان قهار به مثابه یک راهبرد است.

پیامبر(ص) در زمان فتح مکه و شکست قاطع دشمنان فرمودند: امروز روز رحمت است نه انتقام. خانه اوسفیان (رئیس و فرمانده مخالفان پیامبر) و همه کسانی که در آن هستند در امنیت کامل هستند و کسی نباید متعرض آنان باشد.

اخلاق نیکو، توجه و رسیدگی به نیاز تهیدستان، مراعات همسایگان و حقوق آنان (حقوق شهروندی)، وفاداری به عهد و پیمان‌ها «حتی با دشمنان» را باید از سیره عملی و رفتار پیامبر خاتم حضرت محمد(ص) برشمرد که امروزه باید سرلوحه همه مسلمانان باشد.

در سالروز رحلت اسوه و الگوی اخلاق، شایسته است نسبت مسلمانی خودمان را با اسلام و رسول مکرم بسنجیم. علل پیشرفت اسلام و عقبماندگی مسلمانان را مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم در جامعه امروز جهانی در کجا باید می‌بودیم و امروز در کجا ایستاده‌ایم؟

به‌راستی چرا کانون اصلی منازعات، اختلافات و جنگ‌های دنیا و برادرکشی و نسل‌کشی در حال حاضر در میان مسلمانان است؟! چرا در اخوت، برادری و وحدت، ما مسلمانان سرآمد دنیا نیابیم؟ ما را چه شده است؟

روزمره نگاری

دامن‌کشان همی آیند...



رقیه توسلی: «سلامتی» خیلی واژه قشنگی است.

البته که در زندگی آمیزد از این دست واژه‌های کاردردست و قیمتی، کم نیستند و ایراد ماست آن‌طور که باید متوجه‌شان نیستیم.

گپ تلفنی من و «گلی» جان درباره همین واژه‌های قشنگ است. اول تا جایی که فکرم نام می‌رسد قشنگ‌ها را به خط می‌کنیم: ایچی، داداش، خنده، ماکارونی، تلفن راه دور، جای دوفره، اسباب‌بازی، رفیق، کتاب تازه، آشن نذری، سواد خواندن و نوشتن، گلدون میخک، خواب خوب، قرض دادن، عینک، نوزاد، بارون، اسکناکس، پیامک واریز حقوق، دوست داشتن، ته دیگ سبب‌زمینی، الیوم خانواده‌گی، ظروف عتیقه و...

بعد هم می‌گویم ای دادا! چطور تابه‌حال از کنار صدها کلمه مرغوب، این‌طور بی تفاوت رد شدیم و اجازه دادیم در روزمره‌مان مستتر شوند، گم شوند. پشت بندش لعنت جاناته‌ها هم تار و پوس زبان نفهم کرده و واژه‌های قشنگی که تا اطلاع ثانوی ممنوعه به حساب می‌آیند را ردیف می‌کنیم کنار هم: سفر، دوره‌می، خانه پدری، مدرسه، آغوش، عروسی، ساحل‌گردی پاییزی، جشن تولد، شیرینی‌فروشی سر خیابان، پیچ‌پیچ‌های خواهرانه، ماسک نزن، پیاده‌روی بی واهمه، آزادی بی قید و شرط و...

حرف می‌زنیم و حرف می‌زنیم و انگار هر چه بیشتر در گفت‌وگو پیش می‌رویم، ایبهت و عشق و حرارت واژه‌ها بیشتر دوره‌مان می‌کنند و غلط‌ها و بی‌خیالی‌ها و غرق شدن‌ها و ناشکری‌ها بیشتر یادمان می‌آیند... انگار بعد دقایقی، من و گلنرمه هشت ساله مبدل می‌شویم به دو فرستاده که دارند توبه‌ها را می‌رسانند به آسمان... او یکجورهایی می‌شود سفیر کودکان و من قاصد آدم بزرگ‌ها.

کلاً روزگار عجیبی است. ساعت ۱۰ شب «گلی» جان تلفن می‌کند و ۱۱،۵ که به هم شب بخیر می‌گویم گویا صبح شده است؛ پس که رنگ آسمان دلم عوض شده؛ از بس حرف‌هایی که زده‌ام نور پاشیده به دوروبرم؛ پس که حال آدمیزادی به‌نام خاله به واژه نازنینی بند است به نام خواهرزاده.

بانو جمیله سادات کرمانی در قطعه هنرمندان آرام گرفت

غزلی سوخت دلی سوخت گلی پرپر شد



۱۲

ورزش

دبیر: رئیس فدراسیون هشتم، نه سرمربی!

کشتی گیر در فضای مجازی قهرمان نمی‌شود

نتیجه اصرار رسن و پافشاری پرسپولیس

جدایی «بشار» در نیم فصل



اول ایران، سوم آسیا و در بین ۱۰۰ باشگاه برتر جهان

پرسپولیس در بهترین جایگاه تاریخ فوتبالش

عکس: the-afc.com

پنجره اروپا بسته است، دو تیم قطری جای خالی دارند

قاییدی و کریمی در دوراهی جدایی



یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۹
۱۸ ربيع الاول ۱۴۴۲
۱۸ اکتبر ۲۰۲۰
شماره ۹۲۷
ZEMDEGH@QUDSONLINE.IR

همه چیز درباره چالشی که جان کودکان را می‌گیرد

از نهنگ آبی تا مومو



محمد تربت‌زاده «مومو» هرچند چالش تازه‌ای نیست اما چند روزی است که حساسی سر زبان‌ها افتاده است. نخستین بار چندین سال پیش بود که اخباری در زمینه باز شدن پای موجودی مرموز به نام «مومو» به پیام‌رسان واتس‌آپ، در فضای مجازی منتشر شد. آن روزها این چالش بیشتر در خارج از کشورمان شایع شده بود و حتی اخباری حاکی از خودکشی چندین نوجوان در اثر گرفتار شدن در دام مومو هم به گوش می‌رسید. حالا و پس از گذشت چندین سنال از آن ماجرا، پای «مومو» یک بار دیگر به فضای مجازی باز شده؛ این بار اما در کشور خودمان، اگرچه در ابتدا خیلی‌ها این موضوع را جدی نگرفتیم اما در مدت زمان کوتاهی، مومو تبدیل به یکی از ترندهای داغ فضای مجازی شد که در نتیجه آن، رئیس پلیس فتا هم به ماجرا ورود پیدا کرد. این اما پایان کار نبود و روز گذشته خبری در زمینه خودکشی یک نوجوان خوزستانی در اثر گرفتار شدن در دام مومو، فضای مجازی را حساسی تحت تأثیر قرار داد.

مادر پرنده!

ماجرا برمی‌گردد به حدود چهار سال پیش، یعنی زمانی که در سال ۲۰۱۶، یک هنرمند و عروسک‌ساز ژاپنی به نام ناناکو تصمیم گرفت جدیدترین اثرش به نام «مادر پرنده» را به دنیا عرضه کند. چه‌رازی زنانه با چشمان برآمده، موهای ژولیده و همچنین لیخنس‌ی مرموز به پهنای صورت. این موجود در افسانه‌های ژاپنی، یک موجود وحشتناک و پرنده است که طبق افسانه‌ها، گاهی اوقات اقدام به دزدیدن بچه‌ها می‌کرده است.

«مومو» چیزی به جز یک عروسک ژاپنی ساده که تصویرش در حساب کاربری اینستاگرام یک هنرمند درج شده، نیست اما واقعیت آن است که همین عروسک ساده به شکلی طراحی شده که نگاه کردن به او ته دل هر آدمی را خالی می‌کند!

روزنامه دیلی میل در گزارشش درباره مومو توضیح داده این عروسک به هیچ عنوان برای راه‌اندازی چالش خودکشی ساخته نشده بلکه سازندگان چالش مومو، تصویر این عروسک را در دیده‌اند و آن را نماد شخصیت خیالی خودشان یعنی «مومو» قرار داده‌اند.

خودکشی کن!

چالش مومو دقیقاً پس از فروکش کردن چالش «هنگ آبی» در حدود چهار سال پیش در فیس‌بوک و واتس‌آپ ظاهر و تصویر عروسک ترسناک ژاپنی تبدیل به نماد این چالش شد.

مومو دقیقاً مانند نهنگ آبی یک بازی مرگبار است. روش کار هم به این صورت است که یک حساب کاربری با نام مومو و شماره تلفنی عجیب و غریب به نوجوانان پیام می‌دهد و به آن‌ها می‌گوید باید با او بازی کنند! اگر صاحب حساب از بازی کردن سسر باز بزند، مومو او را تهدید به مرگ می‌کند و یادآور می‌شود هر کس تاکنون پیشنهاد بازی با مومو را رد کرده، دچار حوادث وحشتناکی شده است.

مومو را جدی بگیرد!

شاید شما هم پیش خودتان فکر کنید این چالش بی‌اهمیت است و دریافت یک پیام از شماره ناشناسی که خودش را مومو معرفی می‌کند، نمی‌تواند اهمیتی داشته باشد اما آن‌طور که کارشناسان فضای مجازی می‌گویند، در کنار خطر خودکشی، خطراتی مانند امکان سرقت اطلاعات، باج‌خواهی، ایجاد مزاحمت تلفنی و دریافت پیام‌های خشونت‌آمیز و آزاردهنده، کاربران فضای مجازی را تهدید می‌کند.

پیش از خودکشی یک کودک ۱۱ ساله در کشورمان،

به زودی دستگیر می‌شوند

با وجود اینکه بالاخره ظهر دیروز، خبر خودکشی تکذیب شد و کمیورت کشوری، جانشین فرمانده انتظامی خوزستان با اشاره به انتشار خبر فوت یک کودک اهوازی به علت چالشی مومو گفت: «تاکنون هیچ شکایتی به فرماندهی انتظامی اهواز و یا پلیس فتنه مبنی بر قربانی گرفتن چالش مومو در اهواز واصل نشده است». رئیس مرکز پیشگیری از جرایم پلیس فتا از چند روز پیش ضمن هشدار به والدین درمورد بازی مومو، از آن‌ها خواسته بود در کنار کنترل رفتار فرزندان، خودشان را خیلی نگران این چالش نکنند.

سرهنگ رجبی در این باره توضیح داده بود: «متأسفانه برخی خانواده‌ها در پی ارسال پیام‌ها و کلیه‌های چالش مومو برای فرزندان، به جای راهکارهای فنی و صحبت کردن با آن‌ها نگرانی بیشتری به فرزندان خود منتقل کرده و موجب ایجاد اضطراب در فرزندان شده‌اند».

او همچنین موج جدید مزاحمت‌های موسوم به مومو را ناشی از افزایش حضور دانش‌آموزان در بستر اینترنت دانسته بود.

سرهنگ رجبی در پایان در مورد برخورد با گردانندگان چالش مومو هم گفته است: «رسیدگی به ارسال پیام‌ها و کلیه‌های موسوم به چالش مومو به صورت ویژه در دستور کار پلیس فتا قرار گرفته و به‌زودی افراد داخلی که هدفشان اذیت و آزار دانش‌آموزان بوده است، گرفتار قانون می‌شوند».

مجاز آباد

فرش‌های عاقبت بخیر

فسالان فضای مجازی، دیروز به مناسبت سالروز شهادت امام رضاع) تقریباً توفان توییتری به راه انداختند برخی از توییته‌ها را بخوانید: «حاجت را بگویی یا نگویی مهم نیست. سلام که می‌دهی، حس می‌کنی آنجا وطن توست... تنها کافی است بگویی السلام علیک یا علی بن موسی الرضا المرتضی... یک یادگار از علامه طباطبایی: همه ائمه رفتند ولی رفت امام رضاع) حسنی است. وارد حرم که بشوی می‌بینی آقا زین‌العابدین) مولا من! نگاهم به هر سو که هست می‌دانم که نگاهم می‌کنی، اقایم خادم نمی‌خواهی؟... امام زین‌العابدین) خوش به حال فرش‌های عاقبت بخیر حرمت...»

مقاومت بانک مرکزی

با همه انتقادهایی که این روزها مردم و کارشناسان به سیاست‌های اقتصادی و پولی دارند اما عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در خصوص مهار تورم و خروج از رکود در صفحه اینستاگرام خود نوشته است: بانک مرکزی به‌عنوان مسئول سیاست پولی و اعتباری، علاوه بر ضرورت مهار تورم و کمک به خروج از رکود، مواجه با اثرات اقتصادی ناشی از شیوع کرونا و نیز تسهیل تأمین مالی کسری بودجه بوده است. در این شرایط کاملاً پیچیده، اگر نبود مقاومت بانک مرکزی در مقابل بسیاری از درخواست‌ها، وضعیت پایه پولی و نقدینگی، امروز به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده بود».

حسنی و مرغ کاکلی

البته توهین و تمسخر انقلاب اسلامی از سوی شبکه‌های مختلف آن طرف آب که وابسته به براندازان هستند و چشم دیدن ایران و ایرانی را ندارند، اتفاق تازه‌ای نیست. اما گاهی این رفتار آن‌ها آن‌قدر ساده لوحانه و احمقانه انجام می‌شود که به بیننده و خواننده‌ای بی‌بسیاری می‌شود بی‌منطقی‌شان می‌برد. در پی توهین اخیر یکی از براندازان به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، یک کاربر فضای مجازی در واکنش به تمسخر عکس امام خمینی توسط براندازان طی توییته نوشت: «امام خمینی بیشتر از ۵۰ عنوان کتاب به عربی و فارسی در موضوعات مختلف تألیف کرده اون‌وقت براندازه عکس امام روی کتاب فلسفه رو گذاشته با تمسخر پرسیده این چیه... قشنگ معلومه آخرین کتابی که خوانده «حسنی و مرغ کاکلی» بوده».

فرمانداران علیه ترامپ

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل سیاسی درباره انتخابات آمریکا در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «هری هوگان، فرماندار جمهوری خواه ایالت مرلند اعلام کرد در انتخابات امسال آمریکا به دونالد ترامپ رأی نداده است. وی در رأی پستی خود، به طور سمبولیک نام رونالد ریگان را روی برگه رأی نوشته است. روز گذشته نیز چارلی بیکر، فرماندار جمهوری خواه ایالت ماساچوست گفته بود از انتخاب مجدد دونالد ترامپ حمایت نخواهد کرد. وقتی فرمانداران جمهوری خواه، پشت رئیس جمهوری خواه آمریکا را خالی می‌کنند».

هوای تازه

۶ شعر از زنده‌یاد جمیله‌سادات کراماتی

یوسف گمشده این بار به کنعان نرسید



نامهای می‌نویسم امشب با صد سالم از دل تمه آقا داغوشی‌مان کیوتران تو بود که پیامی بیابورد بر ما مادرم قسمتش شد هرگز حرم و گنبد تو من، آما.. نذر کردم زیارت مشهد و پس‌انداز توی فلک را آمدم پاپرنه پاپوست تا حرم، تا حریم خوب شما غصه‌هایی بزگر تردیدم غصه‌هایی به وسعت دریا زنی افسرده ز لب زیم می‌گفت: تا کی آواره خیابان‌ها؟ آن طرف در شمال شهر هنوز بوی نان و خورش، بوی غنا این طرف کودکی گرسنه، غریب بی‌صدا می‌گریست در سرما

- دلم گرفته چگونه تو را صدا نکتم
- غریب و غم زده باشم رضا نکتم
- غریب و غم زده باشم میان صحن و سرا
- دلم کیوتر پر بسته را رها نکتم
- شکسته‌های دلم را چگونه همسایه روانه حرم و گنبد طلا نکتم؟
- به شکوه با گله گفتم نگاه کن! گفتی به زائر حرم می‌شود نگا نکتم!
- دلم که نذر ضریح تو بود آوردم
- به نذر خویش مگر می‌شود وفا نکتم؟

- روزها رفت و شب سرد به پایان نرسید
- عاقبت خاتمه فصل زمستان نرسید
- باغ و بی‌مهری پاییزترین حادثه‌ها
- مرهمی بپهر مداوی درختان نرسید
- خسته از کوچه‌ن بیست گذشتیم افسوس
- دستی از مهر از آن سوی خیابان نرسید
- آفتاب دلمان رو به غروب ابدیست
- طیغی از عشق از آن آتش پنهان نرسید
- موج در موج زمین غرق تلاطم شده است
- آه آرایش بعد از تب طوفان نرسید
- غزلی سوخت دلی سوخت گلی پرپر شد
- دست اعجاز خلیلی به گلستان نرسید
- گفت حافظ که مخور غم ولی از صبر چه سود
- یوسف گمشده این بار به کنعان نرسید

- دیواری می‌کشند میان من و تو را
- تاریکی می‌کنند جهان من و تو را
- جرم من و تو چیست که شلالی می‌زند
- بال و پر پرندۀ جان من و تو را
- در خود خزیه‌اند که با حلیله‌هایشان
- آجر کنند یکخشبۀ نان من و تو را
- بر دار می‌کشند شیری روی بام شهر
- گنجشک‌های سرخ زبان من و تو را
- تو دوست‌داری‌ام ولی آهسته‌تر بگو
- بو می‌کنند با دهن من و تو را

- تمام دشت در این التهاب می‌سوزد
- چه کردهای که به یاد تو آب می‌سوزد
- چه کردهای که طشی به آسمان فرات
- هماره در علفی بی‌حساب می‌سوزد
- به یاد هرم نفس‌های ظهر عاشورا
- ز شرم خویش دل آفتاب می‌سوزد
- چه نوش کرد ز دریای چشم تو عباس
- کای باغ علفم در التهاب می‌سوزد
- شهید عشق چه کردی در این حماسه مگر
- که پارهای دل هر کتاب می‌سوزد

- آتشفشان خسته‌ام طغیانی از دردم
- گرامای بی‌جانم مهیای تپی سردم
- تنهایی یک صندلی در خلوت پاییز
- قایی شکسته روی دیوارم گلی زردم
- شمم که تنها پای درد عشق می‌سوزم
- پروانام تنها فقط دور تو می‌گردم
- سر کرده‌ام با طغر تن پوش تو شبها را
- با خاطرات روزها را زندگی کردم
- آری زخم در خلوتم نازک‌تر از متهاب
- چون کوهسارنم ولی با غیرت مردم
- از شهدهای ناب شهر عاشقان گفتی
- لبخند شیرینی برایت دیده آوردم

ادب و هنر / **چواد** شیخ‌الاسلامی **ا** درست گفته‌اند با مرگ هر شاعر ستونی از ستون‌های زمین فرو می‌ریزد. شاعران خوب هم به سبب شخصیت زلال و جان آکنده از محبتشان و هم به سبب شعرها و آثاری که زمین را به جای بهتری تبدیل می‌کنند، از ستون‌های زمین هستند.
مرحومه جمیله سادات کراماتی، شاعر خوب و مهربان خراسانی که در جمع شاعران مشهد برای همه همچون خواهری مهربان و دلسوز بود، بی‌شک یکی از همان ستون‌های مهربانی بود.
دریغ که دیگر این شاعر را در میان ندانیم و یابد بگویم چرا در زمان حیات قدر او را بیشتر ندانستیم و شعرش را بیشتر زمره‌نکردیم. خیر سهمگین بود؛ مرحومه جمیله سادات کراماتی که در ماه‌های اخیر با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد، زور پنجشنبه‌جان به جان آفرین تسلیم کرد و شاعران خراسان را در غم خود فرو برد. از کراماتی که جزو نخستین نسل دانش‌آموزان راه یافته به جلسه شعر حوزه هنری خراسان بود، یک مجموعه شعر به نام «ماه دوست دارم که شب‌هایت را» به یادگار مانده است.مرحومه کراماتی که مدتی از جلسات شعر کناره گرفته بود، در سال‌های گذشته حضور فعال و مؤثری در جلسات شعر مشهد، به‌خصوص انجمن شعر امین و جلسه شعر حوزه هنری داشت و شعر را جدی‌تر دنبال می‌کرد. همچنین ایشان در دو سال گذشته کارشناس دفتر شعر حوزه هنری خراسان‌رضوی بود و در برنامه‌ریزی و پیگیری برنامه‌های دفتر شعر حوزه هنری، شخصیتی کوشا داشت.

با استاد مصطفی محدثی‌خراسانی که از نخستین معلمان مرحومه جمیله سادات کراماتی هستند و شناخت خوبی از شعر و شخصیت این شاعر دارند، درباره این شاعر گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

♦**استادمحدثی خراسانی، شما به نحوی استاد**

و معلم مرحومسه خانم کراماتی هم بوده‌اید و



سابقه آشنایی شما با ایشان به جلسات حوزه هنری خراسان در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ برمی‌گردد، ششاید یکی از معدود کسانی هستید که می‌توانید درباره شعر و شخصیت خانم کراماتی برای شعردوستان صحبت کنید.

از نخستین روزها و سال‌های آشنایی‌تان با ایشان تعریف می‌کنید؟

بله، همان‌طور که شما به جلسه شعر حوزه هنری اشاره کردید، باید بگویم این جلسه شعر در سال‌های ۶۴ و ۶۵ در مشهد شکل گرفت و توانست به پاتوق مؤثر و مهمی برای شاعران خراسان تبدیل شود و چهره‌های زیادی در آن بالیدند. این جلسات یک هسته اولیه متشکل از سیدعبدالله حسینی، مجید نظافت، محمدکاظم کاظمی، عباس اسانی و من داشت. ما و همین جمع تا چند سال تلاش و فعالیت داشتیم تا زمانی که به مرور چهره‌های

گزارش روز

بانو جمیله سادات کراماتی در قطعه هنرمندان آرام گرفت

جلیل فخرایی؛ بانو جمیله‌سادات کراماتی که پنجشنبه گذشته بر اثر بیماری سرطان درگذشت، درروز در قطعه هنرمندان آرام گرفت. پیکر این شاعر نام‌آشنا، شنبه هم‌زمان با سالروز شهادت علی‌بن‌موسی‌الرضاع) با حضور خانواده و جمعی از دوستان و شاعران در قطعه هنرمندان بهشت رضای مشهد به خاک سپرده شد. در تشییع پیکر این شاعر معاصر به علت هم‌زمانی با بیماری کرونا فقط تعداد اندکی از دوستان و خانواده‌شاعر حضور داشتند. از این شاعر فقید مجموعه شعر «ماه را دوست دارم که شب‌هایت را…» در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. کراماتی سابقه کار ادبی و هنری در روزنامه شهر آرا را هم در کارنامه دارد. در این مجال اندک فرصتی شد داد تا صحبت‌های شاعران را درباره شعر و شخصیت این بانو بشنویم و بخوانیم.

♦**دچار موقعیتی نبود**
مجید نظافت، شاعر مجموعه «ناگاه شعرهای متبسم را یاد می‌برد…» درباره این بانوی شاعر گفت: کراماتی شاعری مؤمن، متدین، متعهد و اخلاقی‌مدار بود که همواره خلق خوش وی زیانزدگ سناتی بود که وی را به نوعی می‌شناختند و حسن خلق داشت و آرام بود.

او شاعری بی‌حاشیه بود که در پست‌های اداری و موقعیت‌های مختلف شعری دچار هیچ‌گونه حب موقعیتی و حتی تشویش ذهن در مورد موقعیت جدید نشد و تمام انرژی او بی‌به آرامش

همیشه گفتم: «دیگر تمام شد همیشه پیش از آنکه فکر کنی اتفاق می‌افتد باید برای روزنامه تسلیتی بفرستیم»

از دلنگسی بگو کجای این جهان پناه ببرم؟ به کجا پناه ببرم که این همه خیرهای تلخ را نشنوم؟ خیرهایی که انگار برای رسیدن به ما از همدیگر سبقت می‌گیرند و شادی‌ها را پس می‌زنند، از ما دورشان می‌کنند که انگار لذت می‌برند از اینکه ما را رنج بدهند، از اینکه صورت‌های ما را خیس ببینند، از اینکه دلنتگمان کنند، از اینکه اشک بریزیم. حالا که دارم به پشت سرم نگاه می‌کنم و به همان روزهایی که ما تازه از روستا به شهر آمده بودم، یکی از پاتوق‌های همیشگی‌ام جلسه شعر حوزه‌هنری بود. نگاه که می‌کنم می‌بینم از جمع دوستانه‌های‌کم‌ها شده‌اند، رضا بروسان، مریم اسلامی، یحیی نجوا رفته‌اند و جمیله سادات کراماتی هم رفته است. دیگری هم رفته‌اند که سن و سالشان از ما بیشتر بوده است، اما با این چند نفر همسن و سال بودم. ما روزهای خوبی داشتیم، روزهایی که دیگر هرگز تکرار نشدند و نخواهند شد. حالا فقط وقتی دلم برایی آن روزها تنگ می‌شود می‌ایستم، برمی‌گردم و پشت سرم را نگاه می‌کنم و بعد همه غم‌های عالم می‌ریزد توی دلم درست مثل همین حالا که ناگهان خبردار می‌شوم کراماتی هم رفت. او را هم سرطان لعنتی برد همان‌طور که مادرم را برد و آدم‌های عزیز دیگری را.

با لیلای طالقانی تماس می‌گیرم تا بدانم موضوع چه بوده است، با صدایی غم گرفته از بیماری کراماتی برایم می‌گوید، از اینکه چند ماه بیماری‌اش دوام آورد و بعد او را برده است، از اینکه…حالم از خودم بد می‌شود که بی‌خبر بودم و نمی‌دانستم کراماتی سرطان دارد تا دست‌کم سرنی به خانه‌اش بزنم یا لاقل طالقانی حالش را بپرسم. زهرا محدثی، لیلای طالقانی، راضیه موفق، راضیه رجایی، طیبیه ثابت، خواهران سیدموسوی و… این نام‌ها همیشه نام‌های ثابت جلسه‌های شعر حوزه

گفت و گو با مصطفی محدثی خراسانی درباره شعر و شخصیت بانو «جمیله‌سادات کراماتی»

غزلی سوخت دلی سوخت گلی پرپر شد

موفق، انسبه موسویان، طیبیه ثابت و مرحومه هم کراماتی، شاعرانی هستند که در این جمع قرار می‌گیرند. این‌ها چهره‌هایی هستند که من اکنون در ذهن دارم و می‌توانم نام ببرم، در حالی که این تعداد، به ۴۰ یا ۵۰ نفر هم می‌رسد. این‌ها نسل متفاوتی هستند؛ هم به لحاظ شخصیتی و هم به لحاظ دانش، پیشت و معرفت و ذوق. گویا جهان در آن سال‌ها جهان دیگری بوده است؛ چرا که حاصل آن نسل یک روابط زلال، عمیق و انسانی، در کنار فضیلت‌هایی که برشمرده، بوده‌همچنین پیوند عمیقی بین این نسل و نسل پیش از خودشان که ما بودیم، برقرار بود. آن‌ها از شاعرانی مانند امیری‌اسفندقه، محمدکاظم کاظمی، من، عباس ساعی، عبدالله حسینی، هادی منوری و مجید نظافت، به عنوان استاد و پیشکسوت خودشان نام می‌برند.

♦**این استادان و انرژوی مضاعفی که شما به آن جلسات تزریق می‌کردید، ثمرات فراوانی داشت که همدلی اعضای جلسه شعر حوزه مشهد و رشد و اعتلای آن‌ها مشهود است.**

بله، آن تلاش‌ها در نهایت منجر به تربیت نسلی شد که همه آن‌ها به لحاظ شخصیتی و شعری، در جایگاه‌های مختلف استوانه‌ای هستند به‌خصوص از نظر شخصیتی و اخلاقی، نسل خیلی فریخته‌های تربیت شدند. یکی از چهره‌های دوست‌داشتنی، می‌کردیم و به همین واسطه کم‌کم دانش‌آموزانی را در سطح خراسان و به طرق مختلف مثل کشف استعداد از جشنواره‌های دانش‌آموزی و استانی شناسایی می‌کردیم. پس از این کشف، استعداد‌های برتر را به جلسه شعر حوزه دعوت می‌کردیم و آنجا آموزش جدی‌تری را برای این دسته از شاعران آغاز می‌کردیم. این‌ها نسلی هستند که می‌توانیم بگوییم در حال حاضر بدنه شعر خراسان و حتی شعر کشور را در ساخت‌هایی شکل می‌دهند. این‌ها کسانی هستند که در آن دوران کشف شدند و رشد پیدا کردند مثل محمدرضا رضایی فرخانی، علیرضا سپاهی‌لاین، محمد بهشتی و قاسم رفیعا. در میان شاعران زن، راضیه رجایی، زهرا بیدکی، زهرا محدثی، مرضیه

و منات او ختم می‌شد.

خجسته ناطق، شساعر و روزنامه‌نگار پیشکسوت خراسانی هم درباره شعر و شخصیت جمیله سادات کراماتی به حجب و منات ایشان اشاره کرد و گفت: بازم گلچین روزگار گلی از بوستان ادب جدا کرد. این بار نوبت خانم کراماتی بود، شاعری متین، آرام و محبوب که در انجمن‌های ادبی مشهد شرکت می‌کرد و همیشه با فرانت اشعار ناب و زیبا مورد تحسین حاضران و استادان قرار می‌گرفت. اکنون با دلی انموهگین در سوگ او نشسته‌ایم و این برگریز را که بر تنه درخت ادب خراسان سایه افکند دردی‌انتیام‌ناپذیر می‌دانیم.

از دوستان جانی مشکل توان بریدن

راضیه رجایی، سرانپنده مجموعه شعر «آسمان ابری دی» و گردآورنده کتاب شعرهایی چون «آیات بیداری» و «روایت عمار» در خصوص منش ایشان گفت: از جمله سادات کراماتی،

منبع آرامش، اخلاق، امید و مهربانی، چه بگویم؟ تواضع، منات، گذشت و دلسوزی جزئی از شخصیت مهربانش بود. هر جا بود تعدادی از شاعران جوان دور او جمع می‌شدند. شخصیت محبوب و مهربانش در جلوسر شاعران و محبت‌های او هنری آن‌قدر کشش داشت که شاعران جوان را شیفته‌ی خلق خواهرانه خودش کند. او آن‌قدر خوب بود که هیچ‌کس حتی به بدوندنش فکر هم نکرد. در این مدت که او گرفتار بیماری بود،

و منات او ختم می‌شد.

خجسته ناطق، شساعر و روزنامه‌نگار پیشکسوت خراسانی هم درباره شعر و شخصیت جمیله سادات کراماتی به حجب و منات ایشان اشاره کرد و گفت: بازم گلچین روزگار گلی از بوستان ادب جدا کرد. این بار نوبت خانم کراماتی بود، شاعری متین، آرام و محبوب که در انجمن‌های ادبی مشهد شرکت می‌کرد و همیشه با فرانت اشعار ناب و زیبا مورد تحسین حاضران و استادان قرار می‌گرفت. اکنون با دلی انموهگین در سوگ او نشسته‌ایم و این برگریز را که بر تنه درخت ادب خراسان سایه افکند دردی‌انتیام‌ناپذیر می‌دانیم.

راضیه رجایی، سرانپنده مجموعه شعر «آسمان ابری دی» و گردآورنده کتاب شعرهایی چون «آیات بیداری» و «روایت عمار» در خصوص منش ایشان گفت: از جمله سادات کراماتی، منبع آرامش، اخلاق، امید و مهربانی، چه بگویم؟ تواضع، منات، گذشت و دلسوزی جزئی از شخصیت مهربانش بود. هر جا بود تعدادی از شاعران جوان دور او جمع می‌شدند. شخصیت محبوب و مهربانش در جلوسر شاعران و محبت‌های او هنری آن‌قدر کشش داشت که شاعران جوان را شیفته‌ی خلق خواهرانه خودش کند. او آن‌قدر خوب بود که هیچ‌کس حتی به بدوندنش فکر هم نکرد. در این مدت که او گرفتار بیماری بود،

و منات او ختم می‌شد.

خجسته ناطق، شساعر و روزنامه‌نگار پیشکسوت خراسانی هم درباره شعر و شخصیت جمیله سادات کراماتی به حجب و منات ایشان اشاره کرد و گفت: بازم گلچین روزگار گلی از بوستان ادب جدا کرد. این بار نوبت خانم کراماتی بود، شاعری متین، آرام و محبوب که در انجمن‌های ادبی مشهد شرکت می‌کرد و همیشه با فرانت اشعار ناب و زیبا مورد تحسین حاضران و استادان قرار می‌گرفت. اکنون با دلی انموهگین در سوگ او نشسته‌ایم و این برگریز را که بر تنه درخت ادب خراسان سایه افکند دردی‌انتیام‌ناپذیر می‌دانیم.

راضیه رجایی، سرانپنده مجموعه شعر «آسمان ابری دی» و گردآورنده کتاب شعرهایی چون «آیات بیداری» و «روایت عمار» در خصوص منش ایشان گفت: از جمله سادات کراماتی، منبع آرامش، اخلاق، امید و مهربانی، چه بگویم؟ تواضع، منات، گذشت و دلسوزی جزئی از شخصیت مهربانش بود. هر جا بود تعدادی از شاعران جوان دور او جمع می‌شدند. شخصیت محبوب و مهربانش در جلوسر شاعران و محبت‌های او هنری آن‌قدر کشش داشت که شاعران جوان را شیفته‌ی خلق خواهرانه خودش کند. او آن‌قدر خوب بود که هیچ‌کس حتی به بدوندنش فکر هم نکرد. در این مدت که او گرفتار بیماری بود،



اصرارها، تصمیم من را عوض کرد. او بود که مرا با خودش همراه ا ریعنی‌ام کرد و من همیشه قدردان او هستم. با این همه، به خاطر نداشتن تجربه سفر اربعین و توصیفات غلط انداز بعضی‌ها از پیاده‌روی اربعین و همچنین بروز بعضی مشکلات برایمان در حین سفر، مثل دور ماندن از کاروان و بیماری، سفر اربعین برای هر دو ما سخت شد. پس از آن اربعین به خاطر همان سختی‌ها به این نتیجه رسیدیم که سختی‌های این سفر از طاقت ما بیشتر است و بهتر است بعد از طریق دیگر و در زمان دیگری به کربلا برویم، اما همین که خستگی و بیماری حاصل از سفر کم‌رنگ شد، گفت: «بیا سال دیگه هم بریم!». به همین خاطر بود که سال گذشته دوباره نزدیک ایام اربعین پیشنهاد پیاده‌روی اربعین را داد. با اینکه در مسافر قبلی‌مان مقداری هم دچار کسالت شده بود و لذت شد، بازهم نمی‌توانست از خیر سفر اربعین بگذرد. باز هم اصرار بر رفتن داشت و دائم می‌گفت «مام حسین(ع) کمک‌تون می‌کنه و مشکلی پیش نمید!». ولی این بار من کم‌توفیق‌تر از این بودم که جمیله سادات بتوانند من را به رفتن راضی کند!

محمد کاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر

در همه‌جا بود و در هیچ‌جا نبود



نیمه دوم دهه ۶۰ و نیمه اول دهه ۷۰ را می‌توان دهه طلایی شعر مشهد دانست. از نظر تحول سریعی که در شعر جوان این سال‌ها پدید آمد و به ناگاه از میان‌نسلی که غالباً دانش‌آموز

بودند، چهره‌هایی در سطح کشوری برخواستند. بزرگی دیگری که این گروه داشتند، علاوه بر جوان بودن، حضور قابل‌توجه بانوان در میان آنان بود.

در اواسط دهه ۶۰ بانوان شاعری که در جلسات شعر نسل جوان انقلاب حضور و رفت‌وآمد داشتند، چند نفر انگشت‌شمار بودند، مثل زهرا رضوی، نعیمه‌المولی و پروین غلامی و سپس شحمت سیدموسوی و چند تن دیگر، اما در اوایل دهه ۷۰ به ناگاه یک موج فعال از شعر بانوان، آن هم کسانی که در نخستین مراحل درخشش شعر خویش بودند، پدید آمد و کسانی همچون انسبه موسویان، زهرا بیدکی، شمله گلرخی، محبوبه‌بزم‌آرا، الهام امین، راضیه رجایی، مرضیه موفق و جمیله کراماتی، جوایز مسابقات دانش‌آموزی کشوری را درو می‌کردند.

جمیله‌سادات کراماتی از شاعران خوب نسل خویش بود، کسی که شعرش هم در صورت و هم در سیرت کیفیت داشت و حاوی ارزش‌های انسانی بود.

از آن زمان تاکنون بانوان شاعر خراسان در نسل‌های متوالی و با چهره‌های خوش، در حوزه هنری خراسان و در حضوری پررنگ در شعر این سرزمین داشته‌اند.

نکته جالب در کنار حضور شعری، فعالیت این شاعران در زمینه‌های مدیریت جلسات شعر و کارهای مطبوعاتی است. در این قسمت هم حضور راضیه رجایی، زهرا محدثی، محبوبه بزم‌آرا، ترگس برهمند و جمیله کراماتی، در جلسات شعر حوزه هنری، انجمن شعر امین، کانون پرورش فکری و نشریات مشهد، پررنگ بوده است. خانم کراماتی در این میان هم فعالیت‌های مطبوعاتی داشت و هم در واپسین سال‌های عمر کوتاه خویش، در حوزه هنری خراسان و در برگزاری جلسات شعر نقش مهمی داشت. دریغ که بیماری سرطان به او مجال نداد بیش از این در رونق این جلسات بکوشد. از وقتی که خانم کراماتی هماهنگی‌ها و پیگیری‌های

ایشان اتکا می‌کردند. اگرچه هسمن هم بودند، اما می‌توانستند مثل مادر به دوستان و اطرافیانشان آرامش خاطر بدهند و همین موجب می‌شد افراد مسائل‌شان را با او مطرح کنند. رفاقت‌های خیلی عجیبی بین این نسل برقرار بود و برای ما هم نحوه درگذشت ایشان جان‌گذاز و تأثیرانگیز است.

♦**من فکر می‌کنم خانم کراماتی به آن اندازه که شاعر خوبی بودند، دیده نشدند. نظر شما که از قدیم با شعر ایشان آشنا بودید، در این مورد چیست؟**

خانم کراماتی از کسانی بودند که وقتی ما از همان ابتدا که نوجوانی بود، او را دیدیم، شعرش به نوعی کامل به نظر می‌رسید. یعنی هم به لحاظ رفتاری، منات، شخصیت و اخلاق و هم به لحاظ شعری، به یک ثبات رسیده بودند. وقتی من با ایشان مواجهه پیدا کردم، شعر ایشان شکل گرفته بود، یعنی مراحل شعر ایشان خیلی فراز و فرود نداشت. اینکه بگویم ایشان آمد و از القیای شعر شروع کرد، نبود.

♦**انگار شعر در شخصیت ایشان هم تنیده بود، چون نوعی ثبات‌نظر، ثبات‌عقیده و رشد شخصیتی در ایشان مشاهده می‌شد.**

بله، ایشان از همان ابتدا رابطه عمیقی با شعر داشتند. هر کسی در مرحله‌ان است و من نمی‌خواهم بگویم ایشان در کجای جریان شعر ایستاده‌اند، اما ایشان خیلی زود توانستند ذهن، زبان و شخصیت شعری خودش را پیدا کند و خیلی طول نکشید. یک زبان شفاف، زلال و با عاطفه روان و اندیشه انسانی مروج محبت و مهر داشتند. شکوه‌هایی که در شعر ایشان هست، شکوه‌های ارحمندی است. شکوه‌های نابودکننده و ویرانگر نیست، شکوه‌هایی برای دریافت تعالی بیشتر است. غم و اندوهی که در شعر ایشان هست، ابزار تعالی افراد می‌شود و موجب افعال و نابودی انسان نمی‌شود. مجموع این‌ها نشان‌دهنده یک جان زلال و روح شفاف در ایشان است و من فکر می‌کنم خانم کراماتی در بین نسلی که من از آن‌ها نام بردم، یکی از استوانه‌ها و شخصیت‌های محجوری بود.



اصرارها، تصمیم من را عوض کرد. او بود که مرا با خودش همراه ا ریعنی‌ام کرد و من همیشه قدردان او هستم. با این همه، به خاطر نداشتن تجربه سفر اربعین و توصیفات غلط انداز بعضی‌ها از پیاده‌روی اربعین و همچنین بروز بعضی مشکلات برایمان در حین سفر، مثل دور ماندن از کاروان و بیماری، سفر اربعین برای هر دو ما سخت شد. پس از آن اربعین به خاطر همان سختی‌ها به این نتیجه رسیدیم که سختی‌های این سفر از طاقت ما بیشتر است و بهتر است بعد از طریق دیگر و در زمان دیگری به کربلا برویم، اما همین که خستگی و بیماری حاصل از سفر کم‌رنگ شد، گفت: «بیا سال دیگه هم بریم!». به همین خاطر بود که سال گذشته دوباره نزدیک ایام اربعین پیشنهاد پیاده‌روی اربعین را داد. با اینکه در مسافر قبلی‌مان مقداری هم دچار کسالت شده بود و لذت شد، بازهم نمی‌توانست از خیر سفر اربعین بگذرد. باز هم اصرار بر رفتن داشت و دائم می‌گفت «مام حسین(ع) کمک‌تون می‌کنه و مشکلی پیش نمید!». ولی این بار من کم‌توفیق‌تر از این بودم که جمیله سادات بتوانند من را به رفتن راضی کند!

روایت

عباسعلی سپاهی‌یونسی، شاعر و روزنامه‌نگار

آذر خش هنگامی ضربه می‌زند که انتظارش را نداریم



همیشه می‌گفتم: «دیگر تمام شد همیشه پیش از آنکه فکر کنی اتفاق می‌افتد باید برای روزنامه تسلیتی بفرستیم»

از دلنگسی بگو کجای این جهان پناه ببرم؟ به کجا پناه ببرم که این همه خیرهای تلخ را نشنوم؟ خیرهایی که انگار برای رسیدن به ما از همدیگر سبقت می‌گیرند و شادی‌ها را پس می‌زنند، از ما دورشان می‌کنند که انگار لذت می‌برند از اینکه ما را رنج بدهند، از اینکه صورت‌های ما را خیس ببینند، از اینکه دلنتگمان کنند، از اینکه اشک بریزیم. حالا که دارم به پشت سرم نگاه می‌کنم و به همان روزهایی که ما تازه از روستا به شهر آمده بودم، یکی از پاتوق‌های همیشگی‌ام جلسه شعر حوزه‌هنری بود. نگاه که می‌کنم می‌بینم از جمع دوستانه‌های‌کم‌ها شده‌اند، رضا بروسان، مریم اسلامی، یحیی نجوا رفته‌اند و جمیله سادات کراماتی هم رفته است. دیگری هم رفته‌اند که سن و سالشان از ما بیشتر بوده است، اما با این چند نفر همسن و سال بودم. ما روزهای خوبی داشتیم، روزهایی که دیگر هرگز تکرار نشدند و نخواهند شد. حالا فقط وقتی دلم برایی آن روزها تنگ می‌شود می‌ایستم، برمی‌گردم و پشت سرم را نگاه می‌کنم و بعد همه غم‌های عالم می‌ریزد توی دلم درست مثل همین حالا که ناگهان خبردار می‌شوم کراماتی هم رفت. او را هم سرطان لعنتی برد همان‌طور که مادرم را برد و آدم‌های عزیز دیگری را.

با لیلای طالقانی تماس می‌گیرم تا بدانم موضوع چه بوده است، با صدایی غم گرفته از بیماری کراماتی برایم می‌گوید، از اینکه چند ماه بیماری‌اش دوام آورد و بعد او را برده است، از اینکه…حالم از خودم بد می‌شود که بی‌خبر بودم و نمی‌دانستم کراماتی سرطان دارد تا دست‌کم سرنی به خانه‌اش بزنم یا لاقل طالقانی حالش را بپرسم. زهرا محدثی، لیلای طالقانی، راضیه موفق، راضیه رجایی، طیبیه ثابت، خواهران سیدموسوی و… این نام‌ها همیشه نام‌های ثابت جلسه‌های شعر حوزه